

گفت‌وگوی «جوان» با مریم بصیری نویسنده کتاب «عروس قریش»

«عروس قریش» مخاطب را میان تاریخ و دوره معاصر پرتاب نمی‌کند

رمان به نیت ۱۴ معصوم، ۱۴ فصل دارد و هر فصل شامل یکی از موقعیت‌های حساس زندگی حضرت آمنه(س) است

■ زینب امجدیان

«عروس قریش» رمان جدید مریم بصیری است که به همت نشر «اسم» روانه بازار شده است. در این رمان برای نخستین بار نویسنده به سراغ سوزهای چون مادر بزرگوار پیامبر اسلام (ص) رفته و روایتی لطیف از زندگی این بانوی بزرگوار را از ولادت تا وفات به رشته تحریر در آورده است. «جوان» با این نویسنده گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

چه دلیلی داشت که حضرت آمنه(س) را برای نگارش کتابتان انتخاب کردید؟

به نظر من قلم زدن درباره ائمه اطهار (ع) و دین اسلام باید جزو برنامه‌های کاری هر نویسنده‌ای باشد. چطور می‌شود نویسنده‌ای مسلمان باشد و حتی یک کتاب درباره رهبران دینی‌اش ننوشسته و به آنها‌ا‌ای دین نکرده باشد!من هم به اندازه خود خواستم تا برای آن بزرگواران اثری بنویسم. ۱۸ سال قبل برای اولین بار تصمیم گرفتم درباره «حضرت آمنه» داستان کوتاهی بنویسم. همان موقع هم کار در یکی از جشنواره‌های ادبی رتبه برتر داستان را از آن خودش کرد. از همان موقع در فکرش بودم که رمانی هم برای مادر پیامبراکرم بنویسم اما کم‌کاری از طرف من نبود، منابع کافی باعث شد تولد این رمان ۱۸ سال طول بکشد.

تاچه میزان از منابع و مستندات بهره بردید؟
برای نوشتنن کار تاریخی باید مطالعه زیادی داشت. علاوه بر نام‌اشتن اطلاعات کافی درباره آن شخصیت خاص، برای ایجاد فضاسازی، باورپذیری و پرداخت جذاب داستان باید مطالعات زیادی در زمینه تاریخ اسلام داشت. داشتن مجموع اطلاعاتی درباره فرهنگ و آداب و رسوم مردم، پوشاک، غذا، معماری، زبان، دین، خرافات و باورهای قاعه، جغرافیا، ادبیات و...و به کار بستن آنهادر مواقع لازم در اثر، باعث می‌شود تا مخاطب حس کند در دل تاریخ است و داستان به دلش بنشیند. برای پیدا کردن منبع هم تلاش زیادی کردم اما چند کتاب درباره حضرت آمنه بیشتر چاپ نشده بود و در همه آنهااطلاعات واحدی بود که نمی‌شد بر اساس آن دست به قلم برد و یک رمان نوشت. اطلاعات زیادی از زندگی حضرت در دوران قبل و بعد از ازدواج و خانواده ایشان در دسترس نبود. مدت‌ها با توجه به شخصیت‌های توجیه به آن چند صحنه، چه میزان اجازه تخیل دارم، طوری که موجب وهن در اذهان مخاطب عام نشوم. برخی مخاطبان با توجه به داستانی بودن کار تاریخی فکر می‌کنند، اینطور کارها صرفاً داستان است و فقط در بستر تاریخ روایت می‌شود.برخی هم با توجه به شخصیت‌های واقعی فکر می‌کنند تمام وقایع واقعیت دارند. از طرفی کارشناسان ادبی و نویسندگان بنا بر اصل تخیل و داستان پردازی خود را مجاز می‌دانند هر چقدر دلشان خواست خیال پردازی کنند و از طرفی کارشناسان دینی مخالف این امر هستند و عنوان می‌کنند نویسنده داستان معصومین (ع) فقط حق دارد درباره قول و فعل مکتوب ائمه (ع) چیزی بنویسد و نمی‌توانند از زبان خودشان جمله‌ای در دهان معصومین بگذارند. حتی برخی از این کار شناسان اعلام می‌کنند هر گونه تخیل درباره معصومین مردود است و نباید هیچ جمله‌ای به روایت تاریخی مکتوب و مستند افزوده شود.

مسلم است که می‌توان با تکنیک‌های مختلف کاری کرد تا داستان از زبان حضرت نباشد و فقط درباره ایشان باشد اما همیشه و در هر داستانی این امکان فراهم نیست و نویسنده مجبور است به معصومین نزدیک شود و اینجا همان جایی است که نویسنده درمی‌ماند چطور گفت‌وگویی را که در تاریخ ثبت نشده بنا بر ضرورت داستانی در زبان ائمه (ع) بگذارد.

از داستان و سبک نگارش کتاب برایمان بگویید.

من در این کتاب از ساختار خطی تولد تا مرگ حضرت و توالی زمانی استفاده کردم. رمان به نیت ۱۴ معصوم، ۱۴ فصل دارد و هر فصل شامل یکی از موقعیت‌های حساس زندگی حضرت آمنه است.



بارها در احادیث اشاره شده که زبان عربی ائمه(ع) بسیار فصیح بوده، لذا نمی‌توان برای آثار تاریخی از نثر آشفته و امروزی بهره گرفت. از طرفی همه مخاطبان با چنین زبانی از تباط برقرار نمی‌کنند؛ لذا چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه از وزن پنهان و زبان شاعرانه استفاده کرد

با توجه به شخصیت‌های واقعی زندگی حضرت آمنه و خرده‌روایت‌های موجود، شخصیت‌های فرعی بسیار خلق کردم؛ از جمله دختر همسایه حضرت آمنه و کنیز ایشان را وارد داستان کردم تا به کمک آنان و کشمکش‌های فرعی که در داستان ایجاد می‌شود، به معرفی شخصیت حضرت بپردازم. با توجه به شاعر بودن حضرت آمنه و نقش شعر در زندگی مردم عصر جاهلیت سعی کردم با وارد کردن شاعران مطرح آن دوران در ماجراها و نثر شاعرانه، داستان را پیش ببرم. جایی هم که رسول اکرم (ص) به دنیا می‌آیند سعی کردم بدون بهره‌گیری از قیلله‌ها یا رمان‌هایی که درباره ایشان ساخته و نوشته شده است، از دید خودم بر اساس تحقیقاتم به دوران کودکی پیامبر اسلام بپردازم.

چرا نام «عروس قریش» را برای کتابتان انتخاب کردید؟

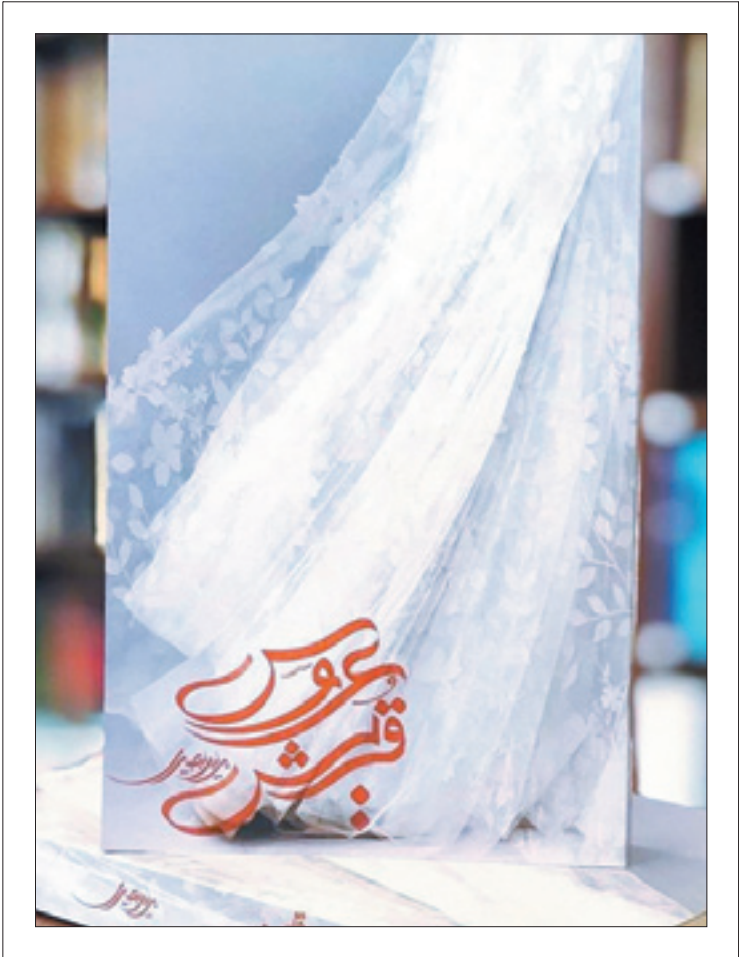
با توجه به اینکه حضرت آمنه اولین عروس در قبیله قریش و مادر اولین معصوم تاریخ می‌باشند، این عنوان را انتخاب کردم.

چه انگیزه‌ای برای نگارش آثار تاریخی – مذهبی دارید؟
علاوه بر علاقه‌ای که به نوشتن داستان درباره تاریخ اسلام دارم، کلا به تاریخ علاقمند هستم. تاریخ مدام تکرار می‌شود و در این تکرارهایی توان به سرشناس‌ألی اشته و وقایع رسید. هر چند هر دوره تاریخی ویژگی‌های خودش را دارد اما موقعیت‌های مشابه باعث می‌شود شاهد وضعیت‌های تکراری در تاریخ باشیم.

حتی نویسنده‌ای که دارد درباره عصر حاضر قلم می‌زند باید به تاریخ توجه داشته باشد. هر اتفاقی ریشه در وقایع گذشته دارد و نمی‌توان از آن غافل شد. من هم با توجه به علاقه و ضرورت چند فیلم‌نامه و نمایش‌نامه تاریخی و همچنین رمان شب‌های خرماخانه را نوشتم. برای آن رمان هم تحقیقات زیادی داشتم و سعی کردم تمام واقعیت‌های پیدایش تعزیه زنانه در کشور و در دربار قاجاری را در خرماخانه ناصرالدین‌شاه به تصویر بکشم.

با توجه به شرایط جامعه، پذیرش نسل جوان از رمان تاریخی و الگوپذیری آنان از شخصیت‌های دینی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بی‌تعارف باید گفت‌نگرش، حتی زبان نسل حاضر چنان دچار تغییر و تحول شده است که کمتر جوانی حوصله دارد به سراغ نثر سنگین و پرطمطراق تاریخی برود. خواندن و درک چنین زبانی برای هر کسی لذت‌بخش نیست، اما نویسنده چاره‌ای جز این کار ندارد. نویسنده برای ایجاد اتمسفر لازم و خلق فضا از چنان نثری کمک می‌گیرد. کاملاً مسلم است در تاریخ اسلام خبری از زبان فارسی و نثری که ما در آثار تاریخی به کار می‌بریم،



نبوده و نیست. نویسنده وقتی می‌خواهد کاری در باره ۵۰۰ سال قبل ایران بنویسد، با توجه به مکتوباتی که از آن دوران مانده، می‌تواند به زبان و نثر آن دوره نزدیک شود. بر همان اساس وقتی می‌خواهد داستانی تاریخی به زبان فارسی بنویسد که جغرافیای اثر در عربستان یا اروپا می‌گذرد، چاره‌ای ندارد که شبیه نثر تاریخی زبان فارسی و گنجینه لغات مردم در همان دوران بنویسد. مخاطب هم بر اساس قرار دای نا نوشته بین خودش، اثر و نویسنده فرض می‌کند که واژه‌های رمان به زبان مردم آن منطقه و عصر پشت سر هم قطار شده است. بارها در احادیث اشاره شده که زبان عربی ائمه (ع) بسیار فصیح بوده، لذا نمی‌توان برای آثار تاریخی از نثر آشفته و امروزی بهره گرفت. از طرفی همه مخاطبان با چنین زبانی از تباط برقرار نمی‌کنند؛ لذا چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه از وزن پنهان و زبان شاعرانه استفاده کرد تا مخاطب در گیر زیبایی کلام شود و موج واژه‌های آهنگین او را با خودش جلو ببرد.

من هم با توجه به علاقه‌ام به زبان فاخر، تمایل داشتم از بازی‌های زبانی، نثر زیباتر و پیچیده‌تری بهره بگیرم، اما برای اینکه مخاطب بتواند با اثر ارتباط برقرار کند و بیش از حد در گیر تکلف نثر نشود، داستان را درگیر پیچیدگی‌های زبانی نکردم. این کار در واقع احترام به طیف خوانندگان با هر میزان سواد است تا بتواند با کار ارتباط برقرار کند. هر چند برخی نویسندگان چه در حوزه ادبیات داستانی و چه ادبیات دراماتیک، از زبانی به معنی کامل، شلخته بهره می‌گیرند و دیالوگ‌ها یکی یکی در میان محاوره و ادبی هستند. این نویسنده‌ها تعابیر و اصطلاحاتی کاملاً امروزی را در دهان شخصیت‌های آثارشان می‌گذارند تا مثلاً مخاطب عمام متوجه شود گفت‌وگوی شخصیت‌ها بشود، اما نمی‌دانند با این کار مرتکب چه فاجعه‌ای می‌شوند. آنان تغییرات زبانی و کلامی را نادیده می‌گیرند و مخاطب را مدام از دنیای تاریخی به دنیای معاصر و بالعکس پرتاب می‌کنند.

لااقل بخشی از مخاطبانی که به سراغ تاریخ نمی‌روند و اطلاعات زیادی از زندگی معصومین و تاریخ اسلام ندارند،

و اهل مطالعه است. وقتی کارشناس ادبی، ارزیاب یا منتقدی کار یک نویسنده قلم را تأیید نکرده باشد و داستان و رمان آنلاین بدون هیچ نظارت ادبی و تکنیکی در اقیانوس اینترنت بارگذاری شود، آن نویسنده دچار توهم نویسنده حرفه‌ای بودن می‌شود، همانطور که مخاطبش دچار توهم خواننده حرفه‌ای بودن می‌شود و با کامنت‌هایش شروع به نقد و بررسی اثر می‌کند. باید نویسنده و خواننده‌های فضای مجازی به این نکته توجه داشته باشند که اغلب آثاری که مجوز نشر کاغذی را انگرفته‌اند، از لحاظ ادبی ضعیف هستند و نمی‌توان آنها را جزو اثر ادبی به حساب آورد. نویسنده‌هایی از این دست فقط در فکر خودنمایی و نشان دادن خود در صفحات اجتماعی هستند و از زیاد شدن طرفدارانشان فکر می‌کنند دیگر به قله ادبیات رسیده‌اند.

گران بودن کتاب هم بهانه خوبی برای نخوندن کتاب نیست چراکه تورم و گرانی گریبان همه چیز را گرفته است. چطور می‌شود حاضر می‌شویم علاوه بر اقلام ضروری زندگی برای اقلام غیر ضروری هم هزینه کنیم اما وقت نوبت کتاب و نشریه می‌شود گرانی را بهانه کنیم. چطور می‌شود حتی در قشر متوسط جامعه به فکر فست‌فود، تجملات و مارک و برند همه چیز باشیم و فقط بگوییم کتاب گران است. متأسفانه عده‌ای برای ظواهر خود هزینه‌های غیر ضروری می‌کنند اما برای بالابردن سواد و دانش و فرهنگ خود هزینه‌ای نمی‌کنند و به سراغ کتاب نمی‌روند.

چه آثاری از شما در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید؟

در حال حاضر دورمان دینی در انتشارات سروش و کتاب جگران دارم که مراحل چاپ را طی می‌کنند. فعلاً هم در حال بازنویسی نهایی رمانی برای مدافعان حرم هستم. از طرفی هم در حال انجام تحقیقات برای نگارش رمانی سفرشی درباره زندگی امام محمدباقر(ع) هستم.

در بخش‌هایی از کتاب عروس قریش می‌خوانیم:
ابتسام به زبان نگاه می‌کرد و فکر می‌کرد خودش است که زیر سایه ایستاده و دارد عطر و پارچه می‌خرد. دارد شانه و آینه می‌خرد تا موهای سیاهش را شانه بزند و به صورت سیاهش بنگرد. آینه‌ای هم از میان بساط حجره بزرگ ز زهیر پیش برقرار کرده بود.
آینه‌ای بی‌بهره از زیبایی، با داستانی خالی از سکه، آینه به چه کاری می‌آید؟ آن را سر جایش بگذار! دست ابتسام آینه را به سر جایش برنگردانده، دست بزرگ ز زهیر پیش آمده بود.

– برای این آینه رنگار بسته چند سکه می‌خواهی؟
مرد به ابروهای در هم گره خورده غلام چهار شانه نگاه کرد و تا خواست درشتی بارش کند، غلام سکه‌هایش را از هیمایش بیرون کشید. حجره‌دار همین که برق سکه‌ها را دید، سیاهی روی مشتری‌هایش را از یاد برد. ابتسام نه پای رفتن داشت و نه بهانه‌ای برای ماندن. آینه را روی بساط مرد راه کرد و خواست قدم از قدم بردارد که زهیر سر راهش ایستاد. چیزی در عمق سیاهی چشمان غلام برپیر می‌زد. چیزی در دل غلام له‌له می‌زد. آینه در دستش برق می‌زد و ابتسام سربه‌زیر زلف سیاهش را به روی سیاهش می‌کشید تا مرد دودویی چشمش را ببیند.

– وهب مرد آراسته‌ای است. کنیز خانۀ او هم باید آراسته باشد.

– و غلامش نیز.
زهیر به صدای ابتسام جانی گرفت انگار. دستي به سر و روی خاک گرفته‌اش کشید و شانه‌هایش را تکاند. به تصویر خودش در آینه نگاه کرد و آن را به طرف صورت زن چرخاند. ابتسام به جای چهره خود، صورت خندان زهیر را در آینه می‌دید انگار. آن نگاه کردن به آینه خجل بود. انگشتان دستش به زور روی آینه و شانه مشت شد و زیر پیراهنش رفت و پاهایش از زمین کنده شد. ابتسام رفته بود و زهیر بود که پاهایش در زمین فرو رفته و نگاهش بدرقه راه کنیز شده بود. حجره‌دار که نگاهش را از آن دو برداشته بود با تحقیر نگاهی به زهیر انداخت و آب دهانش را به زمین پرت کرد.

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۳۶



«بی‌کرایه» مردمی‌وارزشمند

■ معصومه طاهری

متأسفانه کبیی کار سال‌هاست در رسانه ملی به یک رویه تبدیل شده است حتی برخی مدیران این رسانه که ادعای تولید ملی دارند وقتی به منصب می‌رسند عرصه را برای کبیی کارها بیشتر از همه باز می‌کنند. اما مدتی است از شبکه‌نسیم مسابقه‌ای بخش می‌شود که اگر حتی این برنامه کبیی هم باشد ارزش تمجید را دارد. از دیرباز در رسانه ملی مسابقات مختلف با اشکال گوناگون داشته‌ایم؛ مسابقاتی که شاید مشهورترین آنها مسابقه «محله» برای بچه‌ها و مسابقه «هفته» برای بزرگسالان بود. در دهه ۷۰ هم مسابقه «راز سیب» با اجرای فرهاد جم تحولی در نوع مسابقات تلویزیونی محسوب می‌شد، اما همان زمان با وجودی که کمتر کسی ماهواره داشت، رسانه‌ها در نقد آن نوشتند این برنامه کبیی از یک مسابقه خارجی است. مسابقه «بی‌کرایه» به تهیه‌کنندگی آرش گودرزی و اجرای محمد نادری که خلاقیتی جدید در اجرای مسابقات تلویزیونی است اگر مانند سایر مسابقات تلویزیونی کبیی‌کاری هم نباشد باز هم قابل تقدیر است. «بی‌کرایه» جدا از اجرای خوب و توانمند محمد نادری عناصر زیادی برای دیدن دارد مهم‌ترین آن مردمی بودن است بر خلاف مسابقات رایج تلویزیونی که معمولاً سازمان‌ها و سازخترها به صورت گزینشی شرکت‌کنندگان را به این مسابقات گسیل می‌دارند یا به صورت کلیشه‌ای و خسته‌کننده از بازیگران و فوتبالیست‌ها استفاده می‌کنند و خودشان سرگرم می‌شوند تا مردم، انتخاب شرکت‌کنندگان در «بی‌کرایه» مسردم کوچه و بازار هستند. همان‌هایی که اغلب فقط از آنها اسمی برده می‌شود ولی در شادی‌ها و منفعت‌های سلبریتی‌ها جایی ندارند.

آرزان و کم‌هزینه بودن «بی‌کرایه» آن هم در شرایط اقتصادی فعلی نیز یک عنصر مثبت دیگر است. فضای مسابقه یک تا کسبی ون ساده است؛ هر چند سقف آن برای فضاسازی تغییر داده شده اما اصافاً کم‌هزینه است. «بی‌کرایه» افشار مختلف مردم را برای اولین بار به صداوسیما آورده است؛ از کاسب و خرده و تازن خانه‌دار به راحتی می‌توانند در مسابقه مشارکت می‌کنند بدون اینکه دوربین مخفی برای خنداندن باشد یا طیف خاصی شناسایی شوند، مرد بی‌ادعای بازنشسته که فرزندى معلول دارد بدون هیچ گزینشی و به شکلی مردمی در مسابقه حاضر می‌شود و از مشکلات حرف می‌زد. مسابقه‌ای که شاید در بین آنها آدم‌های اتوکشیده یا مسئول هم پیدا شود اما برخلاف ساختار اکثر برنامه‌های تلویزیونی که سعی دارد از این‌ان را شمل شهرنشینان بی‌درد نشان بدهند شرکت‌کنندگان این مسابقه همراه با حرف‌ها و دردهایشان سوار تاکسی می‌شوند. نادری اجراکننده مسابقه و همان راننده تاکسی همان گونه که تهیه‌کننده مسابقه می‌گوید گزینه خوبی برای اجراست چون مردم او را می‌شناسند و همین باعث می‌شود تا جلوی کلاهبرداری‌های احتمالی در فضای حقیقی گرفته شود؛ یک بازیگر مشهور و محبوب به عنوان راننده تا حدی جلوی این سوءاستفاده‌های احتمالی را می‌گیرد. البته محمد نادری هم خوب بسا مردم ارتباط می‌گیرد و با شرکت‌کنندگان مسابقه که بدون هیچ آمادگی سوار تاکسی شده‌اند برای برنده شدن هم راهی می‌کند تا دست خالی پیاده نشوند. همزمان با نادری مخاطب هم همین انتظار را از مجری دارد که با آنها بسازد. از طرفی اینکه فردی نتواند از عهده ساده‌ترین سوالات برپیاید و بعد از آن به اسباب تمسخر دیگران تبدیل شود، ناراحت‌کننده اما نادری هوشمندانه فضا را چنان صمیمانه اداره می‌کند که مخاطب متوجه می‌شود هدف تنها مسابقه نیست بلکه ارتباط با مردم کوچه و خیابان است.

«بی‌کرایه» از نظر تیتراژ هم جالب عمل کرده و تیتراژ این برنامه نشان می‌دهد که یک ایده خام و رفق تکلفی روی آنتن نرفته و

برای شرکت‌کنندگان و مخاطبان ارزش قائل بوده‌اند. همچنین تنظیم سوالات خاص برای هر قشر از جامعه که متناسب با سطح فکری و تحصیلی و سنی آنها باشد، نشان می‌دهد «بی‌کرایه»

شده‌اند برای برنامه‌های تلویزیونی نیست که چهار نفر یک کار کم‌هزینه ساخته باشند، بلکه سازندگان به وقت نگاه مردم آثار گمانشاهند. در کل با وجود همه این مشخصه‌های بینیم می‌توان یک برنامه مناسب با هزینه کم در این شرایط اقتصادی برای مردم تولید کرد که مخاطب پسند هم باشد.

فرم اشتراک روزنامه جوان

- ۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سبیا ۰۷-۰۵۹۵۲۳۰۱۰ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
- ۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
- ۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
- ۴. لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
- ۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: _____ نام و نام خانوادگی: _____
تلفن تماس: _____
نام شرکت یا موسسه: _____
کدپستی الزامی است: _____
نشانی: _____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۸۲۵/۰۰۰	۱/۷۵۰/۰۰۰	۲/۴۷۵/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، خیابان یازدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ ۸۸۳۴۱۶۵۰ نامبر: ۸۸۳۴۱۶۵۰